

شیوه ترجمه قیدهای -ly

حسن هاشمی میناباد

۱. طرح مسئله

زبان فارسی قابلیت‌های فراوانی دارد که در ترجمه می‌توان آنها را خلاقانه به کار برد، ولی مترجمان شتاب‌زده و اهمال‌کار و نیز برخی از نومترجمان و ترجمه‌آموزان از این قابلیت‌ها غفلت می‌کنند و نتیجه آن ترجمه‌های بد یا اختلال در برقراری ارتباط است. در نظر عده‌ای پسوند قیدساز -ly فقط و فقط یک معادل فارسی دارد و آن هم «به‌طور» است. آنها حتی «به‌طور» را که عبارت قیدی می‌سازد به قید هم اضافه می‌کنند و عباراتی مانند «به‌طور فوری» و «به‌طور مؤدبانه‌ای» می‌سازند. یا به‌جای قیدهای طبیعی و رایج فارسی از «به‌طور ویژه» (به‌جای به‌ویژه)، «به‌طور تفصیلی» (به‌جای به‌تفصیل و مفصلاً)، «به‌طور بدی» (به‌جای بدجوری) استفاده می‌کنند. «مؤدبانه» و «بیمارگونه» هم صفت است و هم قید، لازم نیست «به‌طور» به آن اضافه شود. «به‌طور عالی»، دیگر چه صیغه‌ای است؟

مترجم بیچاره‌ای که به فلان فرهنگ دوزبانه برای رفع مشکلش مراجعه می‌کند، در مقابل ecclesiastically با «به‌طور مذهبی» و در مقابل permanently با «به‌طور دائم» مواجه می‌شود. در ترجمه قیدهای -ly نباید فقط به عبارت‌های نحوی‌ای که با «به‌طور»، «به‌نحو»، «به‌طرز»، «به‌صورت»، «به‌شکل»، «از نظر»، «به‌لحاظ»، و «از جهت» اکتفا کرد. عناصر واژگانی دیگری هستند که مفاهیم قید -ly را به کوتاهی و ایجاز و به راحتی و درستی منتقل می‌کنند و طبیعی و روان هستند. معمولاً مترجمان یک عنصر را انتخاب می‌کنند و دنبال معادل‌های دیگر و امکانات دیگری که متناسب با سبک و سیاق متن است نمی‌گردند.

یکی از دلایل فراوانی استفاده از «به‌طور» و همتایان غالباً نازیبایش این است که مترجم و فرهنگ‌نویس این کلمات را از روی صفت می‌سازند و به تنوع واژگانی توجه نمی‌کنند و نمی‌دانند یا جستجو نمی‌کنند تا ببینند فارسی معادل‌های فراوان دیگری هم برای این ترکیبات دارد. در این مقاله ابتدا ویژگی‌های قیدهای -ly و ساختارهای مشابه مطرح می‌شود و سپس

معادل‌های واژگانی و نحوی‌ای که غالباً مغفول می‌مانند فهرست می‌شود و در نهایت تحلیلی از این معادل‌ها می‌آید. مطالبی که در اینجا مطرح می‌شود و معادل‌هایی که در اینجا آمده هم به درد مترجم می‌خورند و هم به درد فرهنگ‌نویس.

۲. روش کار

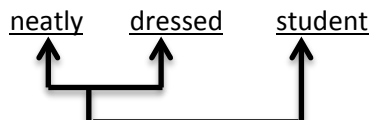
پس از بیان ملاحظات در خصوص مشکلات ترجمه قیدهای *-ly* و روش غیر پویای معادل‌یابی برای آنها در ترجمه‌ها و فرهنگ‌های دوزبانه، نگارنده ابتدا ویژگی‌های این قیدها و ساختارهای مشابه را بررسی کرده و سپس دنبال معادل‌های گوناگون این نوع قیود گشته و یادداشت‌برداری کرده است. در مرحله بعد، معادل‌ها را ابتدا از فرهنگ فشرده نشر نو استخراج کرده ولی برای تکمیل آنها به ترتیب به فرهنگ پویا، فرهنگ هزاره و در نهایت به فرهنگ بزرگ بزرگمهر ریاحی مراجعه کرده است. در نهایت معادل‌ها دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند.

۳. ویژگی‌های قیدهای *-ly* و ساختاری‌های مشابه

قیدهای *-ly* با افزودن نشانه قیدی به صفت ساخته می‌شوند و عموماً به آنها قیدهای حالت می‌گویند. این قیدها علاوه بر دلالت بر حالت و چگونگی عمل یا صفت بر مفاهیم زیر نیز دلالت می‌کنند:

- نگرش، دیدگاه، منظر، زاویه دید
 - مطابقت
 - درجه و میزان و مقدار
 - قطعیت و احتمال و امکان (مانند فعل کمکی وجهی)
 - شباهت و همگون بودن
 - تأکید بر آنچه گفته یا نوشته شده، کم کردن از شدت آنچه گفته یا نوشته شده
 - لحن و صدای گوینده یا نویسنده
 - هدف و مقصود از انجام دادن کاری
 - وسیله یا ابزار مادی یا غیرمادی انجام دادن کاری
 - شیوه و طریق انجام گرفتن کاری و مطابقت آن با چیزی
- قید *-ly* می‌تواند صفتی را وصف کند که هر دوی آنها مجموعاً توصیف‌گر اسم باشند. در گروه اسمی *neatly dressed student*، هسته گروه *student* است که عبارت صفتی

neatly dressed آن را توصیف می‌کند و neatly خود توصیف‌گر صفت dressed است. این رابطه نحوی را می‌توان بدین صورت نشان داد:



در مواردی می‌توان این ساختار را به راحتی ترجمه کرد، اما کار هنگامی سخت می‌شود که این ساختار را نتوان به ساختار مشابه در فارسی برگرداند، مخصوصاً وقتی که صفت مورد نظر وجه وصفی گذشته باشد. در این صورت شاید بهترین راه این باشد که عبارت صفتی را به جمله‌واره تبدیل کرده و با «که» موصولی آن را به هسته اسمی ربط دهیم یا تغییرات دستوری دیگری انجام دهیم.

eagerly-awaited telephone call پیام تلفنی‌ای که مشتاقانه منتظرش بودیم.
carefully performed duty وظیفه‌ای که با دقت اجرا شده است.
politically-inspired killing قتل با انگیزه سیاسی

برخی از قیدهای ly- با enough و speaking همراه می‌شوند. کاربرد این دو عنصر با برخی از قیدها در واقع حشو است.

oddly/curiously/strangely/enough با کمال تعجب، شگفت آنکه، عجیب اینکه
funnily enough عجیب / غریب اینکه، طرفه اینکه
relatively speaking به نسبت، در مقام مقایسه، اگر پای مقایسه در میان باشد
strictly speaking به معنای دقیق / واقعی کلمه، به عبارت دقیق تر، (اگر) دقیق تر بگوییم
personally speaking نظر شخصی من این است که

قیدهای ly- گاهی شدت و حدت چیزی را نشان می‌دهند و قید تشدید هستند، نه قیدی که از صفت مثلاً terrible گرفته شده باشد. بنابراین terribly و cruelly با قید یا صفت دیگر یعنی «به شدت، شدیداً و بی نهایت، فوق العاده.» چند مورد دیگر:


حسابی، خیلی frightfully؛ شدیداً رُک brutally frank.


قیدهای ly- فقط حالت فعل یا صفت را نشان نمی‌دهند و متناظر این قیدها با معانی گوناگون نشان را با ساختارهای واژگانی و نحوی دیگری هم نشان می‌دهیم. آشنایی با این دو نکته، هم به درک ما از کاربرد قیدهای ly- کمک می‌کند و هم به معادل‌یابی و معادل‌سازی

برای این ساختارها به هنگام ترجمه و فرهنگ‌نویسی. واژه‌های way, manner, fashion و در این ساختار به کار می‌روند:

in a (an) + صفت + manner/fashion/way

with با اسم معنای متناظر با صفت همراه می‌شود و به معنای قید ly- است. از بعضی از صفت‌ها مثل difficult نمی‌توان قید ly- ساخت در نتیجه از گروه حرف اضافه with یا without به اضافه اسم آن صفت استفاده می‌شود.

He spoke		Confidently.	رایج‌ترین کاربرد
		in a confident manner.	رسمی‌تر
		with confidence.	رسمی

He faced his problems		bravely.	رایج‌ترین کاربرد
		in a responsible	رسمی‌تر
		with great courage.	رسمی

The task was done in a workmanlike manner/ way.

They speak in angry tones/ angrily.

گروه حرف اضافه با like هم به جای قید حالت به کار می‌رود.

I slept like a baby.

چند پسوندواره هستند که می‌توان آنها را به صفت و برخی از اسم‌ها و قیده‌ها اضافه کرد و قید حالت (و گاهی قید جهت) ساخت، مانند -wise، -fashion، -style. این قیده‌ها سبک و شیوه عمل را نشان می‌دهند و نیز شباهت چیزی یا کسی را با چیزی یا کسی دیگر، ربط داشتن و مربوط بودن چیزی با چیزی دیگر، و اینکه کاری از چه منظری صورت می‌گیرد.

Indian-fashion, American-style, moneywise, taxwise, weather-wise, familywise, career-wise.

۴. معادل‌های قیده‌های ly-

طبیعی است که علاوه بر معادل‌هایی که فرهنگ‌های دوزبانه می‌آورند و معادل‌هایی که در اینجا آورده‌ام، در متن ترجمه بنا به بافت و موقعیت و ساختار دستور و معنایی جمله می‌توان معادل‌های دیگری هم به کار برد. از معادل‌هایی که با «به‌طور» و «از نظر» و ساختارهای

مشابه ساخته می‌شوند، به افراط استفاده می‌شود و در نتیجه آنها را فهرست نکرده‌ام. معادل‌هایی که برای عناصر زبان دیگر می‌دهیم یا واژگانی‌اند یا نحوی. معادل‌های واژگانی عبارتند از کلمه بسیط یا تکواژ، واژه مشتق و واژه مرکب که در سطح واژه‌شناسی قرار دارند. معادل‌های نحوی از سطح واژه‌شناسی فراتر می‌روند و به گروه (اسمی، صفتی، قیدی، فعلی)، جمله‌واره یا بند و جمله می‌رسند. بعضی از معادل‌ها هم قید هستند و هم صفت.

Constantly: مدام
Permanently: دائم
Predominantly, primarily: بیشتر (=عمدتاً)
Legibly: روشن

معادل‌های واژگانی قیدهای ly- یا تکواژه و کلمه بسیط‌اند (کوتاه = laconically)، یا واژه مشتق (زیرکانه = knowingly)، یا واژه مرکب (خواب آلوده = lethargically). بیشتر معادل‌های قیدهای ly- نحوی‌اند، اغلب مترجمان تازه‌کار و ترجمه‌آموزان، هم در ترجمه قیدهای ly- و هم در برگردان عناصر واژگانی و دستوری دیگر، از معادل‌های جمله‌واره‌ای و عبارات طبیعی طولانی‌تر غافل می‌مانند.

جمله‌واره و عبارت:

امیدواریم که: Hopefully
می‌توان گفت که: Arguably
خواست خدا بود که: Providently
مهم‌تر آنکه: Importantly
همان‌طور که همگان می‌دانند: Proverbially
برای حفظ ظاهر، برای رعایت ظاهر، برای رفع تکلیف: Perfunctorily
بعید است که: Improbably
واضح / معلوم است که: Plainly
گفته می‌شود که: Reportedly
چه بهتر که: Preferably
چنان‌که پیش‌بینی می‌شد: Predictably

حال معادل‌های قیدهای ly- را فهرست می‌کنم. ابتدا معادل‌های واژگانی آمده و سپس معادل‌های نحوی و در نهایت معادل‌هایی که مبنای عربی دارند. معادل‌هایی که بر شباهت و پیروی از روشی دلالت می‌کنند هم واژگانی‌اند و هم نحوی.

۱- ۴ معادل‌های واژگانی

صفت یا بن مضارع + ا

گویا (به معنای از قرار معلوم): Reportedly
گویا (به معنای با فصاحت): Eloquently
آشکارا: Egregiously, pointedly

یکی

Verily, truly: راستگی؛ Stealthily: دزدکی؛ Barely: زورکی؛ Falsely: دروغگی

- ان (پسوند قید حالت ساز)

Shakily: نفس‌نفس‌زنان؛ Pantingly: ناسزاگویان؛ Profanely: شتابان؛ Breathlessly: لرزان؛

انه (پسوند صفت ساز و قید ساز)

Obediently: آمرانه؛ Officiously: مغرضانه، جانبدارانه؛ Partially: مطیعانه؛

صفت مفعولی در مقام قید

ندانسته: Inadvertently؛ جسته و گریخته: Patchily؛ حساب‌نشده: Promiscuously؛
بهت‌زده: Raptly؛ حیرت‌زده، سرگشته: Perplexedly؛

فرایند واژه‌سازی تکرار. این فرایند عبارت است از تکرار دو واژه به‌تنهایی یا همراه با یک عنصر دستوری برای ساختن واژه جدید. «مترجمان از این فرایند کمتر استفاده می‌کنند، درحالی‌که وظیفه مترجم خوب استفاده از تمام امکانات زبان فارسی از جمله همگی فرایندهای واژه‌سازی است تا بتواند به زبان طبیعی، که لازمهٔ نثر در ترجمه است، دست یابد» (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶: ۲۳۹).

رفته‌رفته: Progressively؛ گله‌به‌گله: Patchily، Randomly؛ کشکی‌کشکی،
قضا‌قورتکی: Haphazardly؛ هول‌هولکی: Hurriedly؛ رفته‌رفته، کم‌کم، آرام‌آرام: Gradually؛
تک‌تک، تک‌تک...: Individually؛ خوش‌خوشک: Gradually، Jauntily.

۲-۴ معادل‌های نحوی

از: از بد حادثه، از بخت بد: Perversely؛ از ته دل: Heartily؛ از دیرباز: Historically،

traditionally؛ راستگی: Truly، Verily

از راه، از طریق: از راه مَثَل: Parabolically؛ از راه قاچاق: Illegally

از دید: از دید اداری: Bureaucratically؛ از دید واج‌شناسی: Phonologically

از روی: از روی بی‌ارادگی: Passively؛ از روی تکبر/غرور: Haughtily؛ از روی

فرمانبرداری نیز «به حکم»: Obediently؛ از روی لاعلاجی/استیصال: Helplessly

از سر: از سر شوق: Happily؛ از سر ایمان: Piously؛ از سر لطف/عنایت: Oblingly؛ از

سر امیدواری: Hopefully

با (قیدساز)

با شکیبایی: Patiently؛ با بی‌پروایی، با صراحت لهجه: Outspokenly؛ با حزن و اندوه:
Plaintively؛ با صلح و صفا: Peacefully؛ با تهدید: Balefully

با (معنای ابزاری): با برق: Electrically؛ با هوای فشرده: Pneumatically؛ با استفاده از
ابزارهای الکترونیک / کامپیوتر: Electronically

با حالت، با حالتی: (با حالتی) خوددارانه.؛ با حالتی شهوت‌آلود: Passionately
با لحن، با لحنی: با لحن فضل‌فروشانه‌ای: Pedantically؛ با لحن / با لحنی گرفته Heavily
با بیانی: با بیانی پرطمطراق: Pompously؛ با بیانی شاعرانه: Poetically؛ با بیانی روشن، با
بیانی گیرا: Picturesquely

با صدایی: با صدایی گرفته / دورگه: Hoarsely؛ با صدای محزون: Plaintively
برحسب، حسب: برحسب عادت: Habitually؛ حسب عادت، حسب معمول: Ordinarily؛
برحسب ظاهر: Outwardly؛ برحسب تصادف: Haphazardly
بنابر، بنابه: بنابر مصلحت: Politically؛ بنابر عادت: Habitually

به: به وضوح: Palpably؛ به ظاهر: Ostensibly؛ به وفور: Plentifully؛ به مبارکی: Happily؛
به راحتی، به سهولت: Handily؛ (نیز از روی) به حکم غریزه: Instinctively

به قصد، با قصد؛ به هدف، با هدف، به منظور

به قصد کمک: Helpfully؛ با قصد خاصی، با هدف مشخصی: Purposefully؛ به قصد
حمایت: Protectively؛ به قصد تعرض: Offensively؛ به منظور مراقبت: Protectively؛ به قصد
توبه: penitently

به عنوان: به عنوان مجازات: Punitively

به قاعده: به قاعده شاعری: Poetically

به نشانه: به نشانه دفاع / حمایت: Protectively

حاکمی از، ناشی از: ناشی از بی احتیاطی: Imprudently؛ حاکمی از تنفر: Hatefully

در: در تداول عام: Popularly؛ در ظاهر: Outwardly؛ در جمع، در حالت جمع: Plurally؛
در باطن: Inwardly؛ در حرفه خود: professionally

در مقام: Phonologically واج:

طبق، برطبق: طبق عادت: Ordinarily؛ طبق اصول آوایی: Phonetically؛ طبق انتظار:
Predictably؛ طبق معمول: Habitually؛ برطبق مقررات: bureaucratically
مطابق: مطابق ضوابط حرفه‌ای: Professionally؛ مطابق مقررات: bureaucratically
موافق: موافق ذوق مردم: Popularly

قیده‌های شباهت

- گون: مرواریدگون: Pearly
- گونه: زن گونه: Effeminately؛ پیامبرگونه: Prophetically؛ بیمارگونه: Pathologically
- وار: روستایی وار: Pastorally؛ انگل وار، طفیلی وار: Parasitically؛ نقاش وار: Painterly؛
پدروار: paternally

- مآبانه: پدرمآبانه: Paternally؛ ارباب‌مآبانه: Patronizingly

- صفتانه: خوک‌صفتانه: Piggishly

- منشانه: خوک‌منشانه: Piggishly

مثل: مثل پیامبران: Prophetically؛ مثل گداها: Penuriously؛ [لحن یا حالت] مثل یک
تکه یخ: Icily؛ مثل معلمان: Pedagogically
انگار: انگار که ملک (کسی) است: Possessively

سبک و روش

به‌شیوه: به‌شیوه دزدان دریایی: Pirately؛ به‌شیوه ولایات: Provincially

به‌سبک: به‌سبک بدوی: Primitively

به‌روش: به‌روش بادی: pneumatically

مطلق و تام و تمام بودن

نکته‌ای که در ذات قیده‌های -ly هست و غالباً نادیده گرفته می‌شود یا برخی به آن آگاه
نیستند مؤلفه‌های معنایی تام و تمام بودن، مطلق بودن، کمال داشتن، و بسیار بودن است.
تمام: با ایجاز تمام: Pithily؛ به اشتهای تمام: Ravenously؛ با شدت/قوت تمام:
Powerfully؛ با شتاب تمام: Precipitately؛ با شور و حرارت تمام، با تمام وجود: Heartily،
passionately

کمال: با کمال تأسف: Painfully; با کمال قساوت: Pitiessly; در کمال جهالت/ نادانی:
Ignorantly; با کمال وقاحت: Presumptuously
بسیار، بیش: بسیار مؤدبانه: Punctiliously; با دقت بسیار: Painstakingly; بسیار
تابناک: Brilliantly; با لحنی بیش از حد جدی: Humorlessly
بهترین: در بهترین حالت، به بهترین نحو/وجه / صورت ممکن: idealistically Ideally,
هیچ: بی هیچ عیب و نقصی: Impeccably

۳-۴ معادل‌های عربی

۱-۳-۴ تنوین

قیدهای تنوین دار عربی از رایج‌ترین معادل‌های قیدهای مختوم به ly- است که معمولاً کوتاه‌اند و معنای صریحی دارند. اما امروزه در میان برخی از فارسی‌زبانان نوعی تنوین‌گریزی دیده می‌شود، شاید به دلیل عربی‌بودن آنها. برخی استدلال می‌کنند که نباید از کلمات تنوین دار استفاده کرد، چون عربی هستند، غافل از اینکه خود کلمه هم عربی است.

ظاهراً: Ostensibly; اساساً: Organically; بعضاً: partially

قیدهای تشدید بیشتر تنوین دارند، مانند شدیداً و قویاً.

۲-۳-۴ گروه حرف اضافه‌ای عربی

غیر از قیدهای تنوین دار عربی، یک دسته کلمات عربی هستند که با حرف اضافه ساخته شده‌اند و در مقابل قیدهای ly- به کار می‌روند. این کلمات معمولاً رسمی هستند.

بالصراحه: Professedly; علی‌الظاهر: Purposefully; علی‌الاصول: Basically;

من باب شوخی / خنده / سرگرمی: Humorously; من باب بذله‌گویی: Playfully

۵- چند تحلیل

برخی از مترجمان آگاهانه یا ناآگاهانه در معادل‌یابی برای قیدهای ly- دنبال عناصری هستند که حتماً شکل و شمایل قیدی رایج مانند از نظر، به‌طور، از روی، ... داشته باشند. اینان آگاهانه یا ناآگاهانه روش معادل‌یابی غیرپویا را در پیش می‌گیرند. معادل‌های واژگانی بیشتر شکل و شمایل قیدی ندارند، اما هم قید هستند و هم صفت، یا صفتی مفعولی هستند که در مقام قید هم به کار می‌روند، یا فرایند واژه‌سازی مستقلی هستند مانند روش تکرار. مترجمان کمتر از معادل‌های واژگانی استفاده می‌کنند و کمتر از همه از فرایند واژه‌سازی.

تکرار پسوند قید سازِ -ان امکان بالقوهٔ مطلوبی در معادلیابی دارد. پسوند یکی در زبان گفتاری و غیررسمی به کار می‌رود. پسوند -انه کاربرد زیادی دارد، گرچه گاهی به نادرستی عباراتی مانند «به‌طور» را به کلمه‌ای که با آن ساخته شده اضافه می‌کنند.

مترجم اگر در متن مورد ترجمه تأمل و تعمق زیادی نکند شاید نتواند به معادل‌هایی برسد که ساختار واژگانی صفت مفعولی در مقام قید دارند، مانند ندانسته: inadvertently. گرایش محسوسی به استفاده نکردن از قیدهای تنوین‌دار عربی مشاهده می‌شود، درحالی که آنها معمولاً کوتاه و سراسر هستند و درک معنی‌شان راحت‌تر. بیشتر معادل‌های قیدهای -ly- نحوی‌اند. از این میان به گروه‌های قید شباهت و سبک و روش، و مطابقت کمتر توجه شده است. از معادل‌های جمله‌واره‌ای (می‌توان اعتراف/اذعان کرد که: admittedly) کمتر استفاده می‌شود، شاید به این دلیل عمده که مترجم به عمق ساختار معنایی قید -ly- بی‌توجه است و شاید به این دلیل هم که مترجم عموماً در پی اولین معنی‌ای است که از کلمه می‌داند و در نتیجه دچار افسون معنای اول می‌شود.

غالب فرهنگ‌های دوزبانه معادل‌های جمله‌واره‌ای را هم به دست داده‌اند و اگر مترجم به آنها مراجعه کند و اگر حوصله به خرج بدهد که نگاهی به سرتاسر معادل‌های داده شده در مدخل مورد نظر بکند، قطعاً به معادل مطلوب جمله‌واره‌ای می‌رسد.

قید گروهی قصد و هدف از معادل‌های کارساز قیدهای -ly- است که با آغاز «به‌قصد، با قصد، به‌هدف، با هدف و به‌منظور» ساخته می‌شود و لازم است بیشتر به آن توجه شود. برخی از گروه‌های حرف اضافه‌ای معنای قید -ly- را به دقت و روشنی نشان می‌دهند، اما کاربرد عمومی چندانی نیافته‌اند، مانند گروه‌های دارای حرف اضافهٔ «با» در معنای ابزاری؛ گروه‌هایی با آغاز «حاکمی از، ناشی از، به‌نشانه، به‌عنوان، در مقام، و از راه».

قیدهای -ly- لحن و حالت صدا را نیز نشان می‌دهند. این معنا غالباً به این دلیل مغفول مانده که کاربرد کم‌سامدی از این قید است و درک آن مستلزم آشنایی عمیق‌تر با ویژگی‌های این قیدها و نیز تحلیل معنایی دقیق‌تر متن است تا مترجم به‌گونه معنایی ببرد. مفهوم مطلق و تام و تمام بودن یکی از مؤلفه‌های معنایی برخی از قیدهای -ly- است که بیشتر مغفول مانده به‌ویژه نزد مترجمان تازه‌کار و نومترجمان و ترجمه‌آموزان.

۶. فرجام سخن

اگر فرهنگ‌نویس دوزبانه کم‌وبیش در کاربرد «به‌طور» و «به‌طرز» و امثال آن به راه افراط

می‌رود بعضاً چاره‌ای ندارد؛ چون تا حدود زیادی خارج از متن معادل می‌دهد. عوامل متعددی در مشکلات ناشی از ترجمه غیرپویای قیدهای Iy- دخیل‌اند، از جمله کم‌سوادی مترجم، شتاب‌زدگی او، مراجعه‌نکردن به فرهنگ‌های دوزبانه معتبر، مراجعه‌نکردن به فرهنگ تک‌زبانه، تحلیل‌نکردن جمله و متن، ناآشنایی یا آشنایی ناکافی با زبان فارسی و قابلیت‌های فراوان آن. پژوهش‌هایی از این دست که در مقاله حاضر آمد امید است که به تعمیق شناخت از زبان فارسی، بهبود ترجمه و گسترش فرهنگ‌نویسی کمک کند.

منابع

- باطنی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۵). فرهنگ معاصر پویا، انگلیسی‌فارسی، تهران: فرهنگ معاصر. جعفری، محمدرضا (۱۳۹۵) فرهنگ فشرده نشر نو، انگلیسی‌فارسی، تهران: نشر نو.
- حق‌شناس، علی‌محمد، حسین سامعی و نرگس انتخابی (۱۳۸۰). فرهنگ معاصر هزاره، انگلیسی‌فارسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- ریاحی، بزرگمهر (۱۳۹۴). فرهنگ بزرگ انگلیسی‌فارسی، تهران: سخن. هاشمی‌میناباد، حسن (۱۳۹۶). گفتارهای نظری و تجربی در ترجمه، تهران: کتاب بهار.